نگاه

شبکه‌های اجتماعی در دولت یازدهم فیلتر نخواهند شد

هدیه انتخاباتی روحانی برای رقبایش

عاطفه نبوی| در حالی که کمتر از یک ماه به زمان برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری در ایران باقی مانده است، در روزهای آغازین مقررشده برای تبلیغات، کانال تلگرامی ابراهیم رئیسی نزدیک به ۷۰ هزارعضو دارد و قالیباف نیز با کانالی با حدود ۳۵هزار عضو در حال فعالیت است.

در کنار کانال‌های اصلی کاندیداهای اصولگرا، کانال‌های دیگر حامی این جریان مانند اصولگرانیوز، قرارگاه سایبری عمار، رئیسی آمد، افسران جنگ نرم و ده‌ها کانال دیگر با متوسط ۲۰ هزار عضو در حال تبلیغات برای این کاندیداها و جمع‌آوری و نشر اخبار منفی و انتقادی علیه جبهه اعتدال هستند.

علاوه بر تلگرام، کاندیداها از اینستاگرام و توییتر نیز در بالاترین حد ممکن بهره می‌برند و با برنامه‌های زنده اینستاگرام و توییت‌های انگیزشی یا انتقادی از این رسانه‌ها برای ارتباط بی‌واسطه با هواداران خود استفاده می‌کنند.

این استفاده آزادانه و همه‌جانبه نیروهای اصولگرا از شبکه‌های اجتماعی در حالی در جریان است که دولت اعتدال طی ۴سال گذشته نبرد سختی را با هم‌قطاران آنان برای جلوگیری از فیلترکردن این شبکه‌ها پشت سر گذاشت. در آخرین مورد و در هفته‌ای که گذشت امکان تماس تلفنی تلگرام که در سراسر دنیا فعال شده است، در ایران مسدود شد.

دولت یازدهم از موضوع فیلترکردن شبکه‌های اجتماعی مجازی تحت عنوان خط قرمز خود یاد می‌کند. یکی از نخستین مقاومت‌های روحانی در برابر انسداد شبکه‌های اجتماعی، رفع فیلتر از واتس‌اپ به دستور مستقیم رئیس‌جمهوری در سال ۹۳ بود.

حسن روحانی دستور توقف فیلتر شبکه اجتماعی «واتس‌اپ» که از سوی کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه اعلام شده بود را صادر کرد. بعد از این اقدام دبیر کمیته تعیین مصادیق محتوای مجرمانه گفت: «رئیس‌جمهوری رأسا نمی‌تواند مانع اقدامات کارگروه تعیین مصادیق شده و صلاحیت قانونی تصمیم‌گیری در مورد شبکه‌های اجتماعی را از این کارگروه سلب کند و آن را برعهده شورای عالی فضای مجازی قرار دهد.»

اما به هر روی این شبکه اجتماعی فیلتر نشد و در ایران در حال حاضر آزادانه از آن استفاده می‌شود.

تلگرام تا آخر عمر دولت اعتدال خواهد ماند

این کشمکش بر سر اپلیکیشن‌های مختلف که نو به نو وارد بازار می‌شد، همچنان ادامه داشت تا جایی که در سال ۹۴ رئیس‌جمهوری در یک برنامه زنده تلویزیونی، صراحتا مخالفت خود را نسبت به فیلترینگ شبکه‌های اجتماعی در کشور اعلام کرد و به دنبال این اظهارنظر مدیرکل روابط عمومی‌شرکت مخابرات ایران هم گفت که سیاست دولت یازدهم از ابتدا مخالفت با فیلترینگ بوده و همچنان هست و تا آخر عمر این دولت هم خواهد بود از این رو مخابرات تصمیم برای فیلتر تلگرام ندارد.

رئیس‌جمهوری و بعضی از اعضای کابینه‌اش برای دفاع از گردش آزاد اطلاعات در قالب شبکه‌های اجتماعی به اظهارنظرها و مخالفت‌ها بسنده نکردند و خود نیز به این شبکه‌ها پیوستند. محمدجواد ظریف، وزیر امورخارجه، نخستین عضو کابینه بود که به فیس‌بوک پیوست و این در حالی بود که ۶سال از فیلترشدن فیس‌بوک در ایران می‌گذشت.

ظریف از فیس‌بوک و بعدها از توییتر برای اطلاع‌رسانی اقدامات دولت در روند مذاکرات هسته‌ای و جریانات پس از آن بهره برد. به دنبال وزیر امور خارجه، حسن روحانی هم به توییتر پیوست و علی جنتی، وزیر ارشاد و دانش آشتیانی وزیر آموزش و پرورش هم مشتریان بعدی این شبکه‌های اجتماعی بودند و پس از آن سایر وزرا نیز یک به یک از راه رسیدند.

۲۰میلیون تلگرامی

ایرانیان که از یک سو با فیلترشدن فیس‌بوک، وی‌چت و بعد از آن وایبر دایم در میان این شبکه‌ها سرگردان بودند و از سوی دیگر پهنای باند کم و سرعت پایین اینترنت استفاده از وی‌پی‌ان و فیلترشکن را برایشان مشکل می‌کرد، به «تلگرام» پناه بردند.

به‌طوری که سال گذشته پاول دورف، موسس تلگرام، گفته بود حدود ۲۰میلیون از کاربران فعال این شبکه پیام‌رسان ایرانیان هستند. دولت نیز بر این شبکه پا سفت کرد و مانع از فیلتر آن شد. طی مدت بسیار کوتاهی تلگرام در کنار اینستاگرام تبدیل به فراگیرترین شبکه اجتماعی در ایران شد. توییتر نیز به‌رغم فیلتربودن محبوبیت و کاربران زیادی پیدا کرد.

در مهر ماه سال ۹۵ رئیس‌پلیس فتا اعلام کرد که بحث فیلترشدن شبکه اینستاگرام در جلسه کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه اینترنت مطرح شده، اما دولت با آن مخالفت کرده است. همزمان یکی از مقام‌های قضائی عضو این کارگروه اعلام کرد که توییتر رفع فیلتر نخواهد شد.

محمدعلی اسفنانی یکی از اعضای سابق کارگروه محتوای مصادیق مجرمانه در گفت‌وگویی با «شهروند» گفت: «یکی از مهمترین مباحث جدی همیشه فیلترینگ تلگرام بود. در جلسه‌ای که بنا بود تصمیم نهایی برای این موضوع گرفته شود، اما نمایندگان دولت به تعداد کافی حاضر نشدند و جلسه به حد نصاب نرسید.» به این ترتیب بحث فیلترشدن تلگرام نیز فعلا مسکوت ماند.

حال بعد از ۴سال تلاش مجدانه بسیاری از اصولگرایان برای فیلترکردن تلگرام و اینستاگرام و تاختن آنان به دولت به دلیل ممانعت از توقیف این شبکه‌ها، این جریان در حال بهره‌بردن از عواید این دستاورد و جریان آزاد اطلاعات است.

آیا وساطت ریش سفیدان اصولگرا تنها راه خروج جمنا از آشفتگی در انتخابات است؟

افول یا عدول

سیدمسعود آریادوست| در انتخابات سال ۹۶، آنچه که بیش از پیش به چشم می‌آید، اختلافات درونی میان اصولگرایان سنتی است. بعد از گذشت ماه‌ها نه‌تنها نتوانسته‌اند بر سر انتخاب واحد یک شخص به نتیجه برسند؛ بلکه حتی شاهد اختلاف‌نظر اساسی درمورد نامزدهایشان نیز هستید؛ تا حدی که باید این میزان از اختلاف را بی‌سابقه نامید. اختلاف‌ها از درون جمنا آغاز و به پایداری و روحانیت مبارز و سایر ریش‌سفیدان اصولگرا کشانیده می‌شود. اختلاف بر سر اصلح است. گویا این نحله عقیده-سیاسی با این عقبه سیاسی و در برهه زمانی کاملا ویژه و به قولی خطیر! تاکنون از یافتن اصلح عاجز مانده است. نگاهی به تاریخچه چند ماهه اصولگرایان حکایت از دیوار نااطمینانی بین آنها دارد. اگر امروز اصلح تأیید شود، فردا تکذیب می‌شود و درکمال تعجب این مسأله را ناشی از اختلاف سلیقه‌ای طبیعی تبیین می‌کنند، اما این اختلاف سلیقه‌ها آن هم در ۲۵روز مانده به انتخابات ریاست‌جمهوری تا کی ادامه خواهد یافت و دلایل آن چیست؟ شواهد و قرائن نشان می‌دهد که به زودی جبهه آشفته اصولگرایی با تصمیم‌گیری نهایی پایداری‌ها و حمایت بیش ازپیش ریش‌سفیدان اصولگرا مقداری منظم می‌شود.

اختلافات جمنا و جبهه پایداری

سردرگمی سیاسی اصولگرایان بیشتر از آن‌جا ناشی می‌شود که ساز ناکوک جبهه پایداری را نمی‌توانند نشنیده بگیرند؛ همان سازی که بر تعیین افراد در لیست ۳۰نفره انتخابات مجلس دهم تأثیر مضاعفی داشت و نتیجه آن، عدم ورود حتی یک نفر از لیست مذکور به مجلس شورای اسلامی بود. مصباح‌یزدی که پدر معنوی جبهه پایداری محسوب می‌شود، درهمان انتخابات از سعید جلیلی و همچنین لنکرانی به‌عنوان گزینه‌های مدنظر، جهت در دست‌گرفتن ریاست مجلس شورای اسلامی سخن به میان آورده بود که این می‌تواند حکایت از اختلافات شدید جبهه پایداری با اصولگرایان معتدل باشد. در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۹۲، جبهه پایداری از سعید جلیلی حمایت کرده بود. جلیلی با اختلاف ۱۴میلیون رأی با روحانی بازنده انتخابات شد.

اوج اختلافات پایداری با اصولگرایان جمنا زمانی علنی می‌شود که حین تأسیس جمنای نوپا، ازحضور پایداری‌ها نه‌تنها خبری نیست؛ بلکه حتی از این جریان برای حضور در جمنا ظاهرا دعوتی به عمل نمی‌آید. به همین دلیل است که بعدها وقتی ازجبهه پایداری درجهت حل مسائل انتخابات ۹۶ دعوت می‌شود، مرتضی آقا تهرانی بغضش این چنین می‌شکند: «بعد از ۵ماه (ازجبهه مردمی نیروهای انقلاب) تلفن زدند که بیایید اما ما که نبودیم خیلی کارها شده است، گفتیم بروید کار خود را بکنید و به ما چه کار دارید، ما بعدش که ان‌شاءالله جلو رفتید، اولا دعا می‌کنیم که خدا شما را موفق به بهترین راه کند و بتوانید به اصلح برسید. اگر واقعا به اصلح برسند، دوستان را یاری خواهیم کرد اما اگر دیدیم کسی که معرفی شده شاخص‌ها را ندارد، ما هم آزاد هستیم». درهمین راستا، غلامرضا مصباحی‌مقدم برخلاف سخنان آقا تهرانی می‌گوید که از پایداری دعوت به عمل آمد ولی خودشان نیامدند. اما جواد شمقدری علنا از دعوت‌نشدن جبهه پایداری ازسوی «دوستان مرکزی جمنا» سخن به میان آورد تا پیچیدگی این مشکلات بیش ازپیش به نظر آید.

جای خالی اصلح

اختلاف جمنا با پایداری از آن جهت معنا پیدا می‌کند و مهم تلقی می‌شود که در هر دوطیف، خیل اصولگرایان سنت‌گرا حضور دارند. اختلاف ریش‌سفیدهای این دوجریان به نوبه خود بر رفتار یقه سفیدهای سیاستمدار نیز می‌تواند تاثیرگذار باشد. هنوز تمثال دهن‌کجی علی لاریجانی به جمنا و طعنه به حاجی‌بابایی درمجلس به گوش می‌رسد که یقینا بدون ارتباط با ابراز عقیده کهنسالان سیاسی- مذهبی جریانات اصولگرایی نیست، اما ریشه تنازعات فی‌مابین اصولگرایان را درکجا باید جست؟ چرا در انتخاب یک فرد به اجماع نمی‌رسند؟ بخشی از این مشکلات ظاهرا به کمبود در موجودبودن «اصلح» بازمی‌گردد.

جمنایی‌ها به تسأهل اعتقاد دارند. این نحله معتقد است که اگر درپی یافتن «اصلح» به هدف نرسیدیم، می‌توانیم تنزل کنیم و به صالح بسنده نماییم. اما دبیرکل جبهه پایداری، مرتضی آقا تهرانی برخلاف آن را معتقد است. آقا تهرانی از «صالح‌سازی» و «صالح‌یابی» جمنا رضایت ندارد و تلویحا آنها را به خدعه محکوم می‌کند: «...بعدا خودشان مقبول درست کرده و آمارسازی می‌کردند، این آمارهایی هم که داده می‌شود، معلوم نیست چقدر راست باشد.» آقا تهرانی با پایداری بر سر اصول جبهه پایداری درپی یافتن «بهترین» است و به همین جهت است که می‌گوید: «آنها به اصلح نرسند، ما هم نگاه می‌کنیم، ما دنبال این می‌رویم که چه کسی را می‌توانیم پیدا کنیم که اصلح و بهترین باشد.» ظاهرا جمنا بر انتخاب «صالح» رضایت داده، اما پایداری از اصول خود عدول نمی‌کند و اعتقاد بر انتخاب اصلح دارد؛ به عبارتی یا اصلح یا هیچ‌کس.

یادآور می‌شود که زمانی محمود احمدی‌نژاد ازجمله افراد اصلح از دیدگاه جبهه پایداری بوده است.

تقابل اصولی اصولگرایان

از اتحاد صحبت می‌کنند، اما بیشتر شبیه آرزوست. بیشتر شبیه اتحاد در انتخابات ۹۲؛ آن‌جا که نامزدهای اصولگرا، عموما ذیل عنوان مستقل حضور یافتند و این‌گونه کمر همت به قلع و قمع یکدیگر بستند و نام اتحاد را نیز بر آن گذاشتند. این مسأله اکنون نسبت به سال ۹۲ با شکلی ویژه‌تر درحال رخ‌دادن است. محمدباقر قالیباف و ابراهیم رئیسی هر دونامزدهای مدنظر جمنایی‌ها هستند. هرچند که تلاش‌هایی صورت گرفت تا درنهایت به یک وحدت واحده برسند، اما ظاهرا هیچ‌یک از این دو نامزد راضی نیستند که دست از تکلیف بردارند و صحنه را به نفع دیگری خالی کنند؛ تا جایی که گاه شاهد تقابل نیز هستیم. درهمین زمینه، قاسم روانبخش دبیرسیاسی هفته‌نامه پرتو سخن هشدار می‌دهد که نیروهای انقلاب بر فرض که به وحدت نرسیدند، نباید دربرابر یکدیگر صف‌آرایی کنند و به تخریب یکدیگر بپردازند. او امیدوار است که انتخابات به مرحله دوم برسد تا طی دومرحله‌ای‌شدن و با همراهی عموم نیروهای انقلاب بتوانند کرسی ریاست‌جمهوری را به دست آورند. همین اظهارات روانبخش کافی است تا عمق اختلاف بین اصولگرایان بر سر نامزدی ریاست‌جمهوری عیان‌تر شود. مسأله وقتی حادتر به نظر می‌آید که او از دست‌های پشت پرده سخن به میان می‌آورد: «اگر وحدت برای خدا و انجام وظیفه است، این تکلیف با سیاسی‌کاری، سیاست‌بازی، همدیگر را دورزدن، دوز و کلک، سر همدیگر کلاه‌گذاشتن نمی‌سازد». او ادامه می‌دهد: «چنین وحدتی با دست‌های پشت پرده یا پستوهای تو درتو، یا آدم‌های در سایه که در پشت صحنه پخت‌وپز کنند و به اسم وحدت به خورد این و آن دهند، سازگار نیست.»

> **از اتحاد صحبت می‌کنند، اما بیشتر شبیه آرزوست. بیشتر شبیه اتحاد در انتخابات ۹۲ آن‌جا که نامزدهای اصولگرا عموما ذیل عنوان مستقل حضور یافتند و این‌گونه کمر همت به قلع و قمع یکدیگر بستند و نام اتحاد را نیز بر آن گذاشتند**

با این اوصاف، آیا باید از تقابل رئیسی- قالیباف در انتخابات ۹۶ سخن به میان آورد؟ فلسفه وجودی جمنا کجا رفت؟ اکنون مغز کلام مجتبی تهرانی بیشتر قابل مشاهده است. او تشکل جمنا و تعیین هدف برای داشتن یک کاندیدای واحد در انتخابات ریاست‌جمهوری ۹۶ را «کشک» خوانده بود. بی‌دلیل نیست که اسدالله عباسی از اعضای مرکزی جمنا، در گفت‌وگو با «عصر ایران» تصریح می‌کند که هدف ما این است با هم درگیر نشویم!

معادله میرسلیم

طعم تصمیمات جمنا بیشتر زمانی حس می‌شود که سایه ناگهانی میرسلیم بر سر آنها سنگینی می‌کند. مصطفی میرسلیم همان شخصی است که درجمنا به‌عنوان کاندیدا مطرح شده بود، اما در رأی‌گیری نهایی تشکلات جمنا، آرای لازم را کسب نمی‌کند و از دور خارج می‌شود، ولی میرسلیم تسلیم نشد! او درنهایت به‌عنوان نامزد حزبی ازسوی حزب مؤتلفه اسلامی معرفی می‌شود. حضور میرسلیم بیش از این‌که برای اعتدالگرایان و اصلاح‌طلبان خطری محسوب شود، بیشتر نوعی دهن‌کجی به تشکلات جمناست؛ چراکه جمنا وی را شایسته انتخاب ندانسته بود. این درحالی است که حاجی‌بابایی و زاکانی از نامزدهای مورد تأیید جمنا، ازسوی شورای نگهبان فاقد صلاحیت تشخیص داده شدند. میرسلیم که درهمان ابتدای کار، با زبان فرانسوی به عموم مردم دنیا پیامی را جهت دوستی ابلاغ کرد، چندی پیش با صراحت تمام گفته بود؛ «کسی جرأت ندارد از من درخواست کناره‌گیری کند». او صراحتا گفته است که با جمنا اختلاف سلیقه دارد و این انتخاب را به عهده مردم گذاشته که کدام سلیقه را انتخاب کنند و ما تا آخر ایستاده‌ایم. این‌گونه پازل «اصلح» اصولگرایی مقداری پیچیده‌تر می‌شود.

ختم انتخاب اصلح

آرامشی که امروزه درجبهه مشترک اصلاحات- اعتدال وجود دارد، اگر درسال ۸۴ تأمین شده بود، یقینا آن همه هجمه خارجی-وطنی بر ارکان معیشت ملت صورت نمی‌گرفت. امروز روز حرکت به سمت پختگی برای اصلاح‌طلبی-اعتدال‌گرایی محسوب می‌شود.

عدم اتحاد سه نامزد اصولگرا که از بطن جمنا یا انتخاب شده‌اند یا طرد، صرفا و صرفا یک مسأله را بازگو می‌کند. بی‌فرجام‌ماندن جمنا با عبایی به رنگ اصولگرایی؛ تشکیلاتی که ازهمان ابتدای امر با برخورد سرد اصولگرایان سنتی مواجه شد. هر اتحاد و انسجام سیاسی یقینا خروجی هم‌سنخ خود را دارد. خروجی جمنا چه بود؟ چرا این تشکل تا این لحظه نتوانسته نظر پایداری و حتی نامزدهای برخواسته از دل خود را درجهت حفظ انسجام و اتحاد به ارمغان آورد؟

به فرض اینکه بنا به قول میرکاظمی عضو ستاد انتخاباتی رئیسی و وزیر بازرگانی دولت نهم، «رئیسی و قالیباف می‌خواهند با هم رقابت کنند». اما آیا امر ایده‌آل، نزد جمنا و نامزدهای اصولگرایان، رقابت با یکدیگر است؟ آیا محتوای همین «رقابت» با محتوای «رقابت با روحانی» یک وزن دارد؟ مسلما خیر. حال چرا تصمیمی اتخاذ نمی‌شود که یکی از این دو رقابت (یعنی رقابت با روحانی و رقابت با یکدیگر) حذف شود تا توان انتخاباتی اصولگرایی بالا رود؟ پاسخ مشخص است. نمی‌توانند! در واقع حس تکلیف انتخاباتی نمی‌گذارد. همان اختلاف و حب نظری که هریک از اصلاح‌طلبان درسال ۸۴ به خویشتن خویش داشتند، امروزه دامنگیر اصولگرایان شده است.

تنها یک راه برای جمنا باقی مانده است: خواهش کردن از پایداری و وساطت سایر ریش‌سفیدان. جبهه پایداری هم البته از این تمنای سیاسی ناخرسند نیست و چندباری هم این را به صورت غیرمستقیم به گوش حضرات جمنا رسانیده است. گاه نیز با شیطنت‌هایی، جمنا این طفل نوپای سیاست را دلخوش کرده‌اند. چندی پیش کانال رسمی تلگرامی جبهه پایداری اعلام می‌کند که در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۹۶ از ابراهیم رئیسی حمایت می‌شود، اما تنها چند دقیقه بعد این پیام خوش از کانال حذف می‌شود و مرتضی آقا تهرانی ضمن واکنشی ابراز داشت: «جلسات پایداری به صورت مستمر برگزار می‌شود و ما هفته‌ای دوبار جلسه برگزار می‌کنیم و معتقدیم؛ باید به اصلح رأی داد، اما هنوز گزینه ما به صورت رسمی اعلام نشده است.» طرح دلخوشی جمنا نیز ازسوی جامعه روحانیت مبارز القا و لغو می‌شود. به همان سبک و سیاق پایداری!

حال باید منتظر ماند و دید این مقدار تقابل اساسی میان اصولگرایان تا چه میزان برای آنها هزینه آب می‌خورد. آیا پایداری‌ها و همراهانش برای نشان‌دادن قدرت خود درمقابل جمنا و سایر اصولگرایان، حاضرند تا پایان انتخابات از حضور درعرصه خودداری کنند و از نامزد اصلح رونمایی نکنند؟ مسلما خیر! پایداری‌ها و همراهانش صرفا مشغول داغ‌کردن تنور به نفع اصولگرایان هستند. هرچند ذیل این بالا و پریدن‌های سیاسی نیز، ازخود قدرتی سیاسی را به نمایش می‌گذارند. درکنار این نمایش قدرت هم، تأدیبی برای جمنا پخت می‌کنند تا قبل از هرتصمیم عام، ابتدا از خواص دعوت به عمل آید. پایداری‌ها وارد می‌شوند اما در زمان خودش.

زمانی که حس شود قالیباف و میرسلیم آمادگی کناررفتن به نفع رئیسی را دارند.

بازی تکراری اصولگرایان در انتخابات

حمیدرضا شکوهی| همیشه با کوهی از ادعا وارد رقابت‌های غیررسمی انتخاباتی می‌شوند، مجمع برگزار می‌کنند تا شایسته‌ترین‌ها را انتخاب کنند. می‌گویند آمده‌اند تا نشان دهند تشنه خدمت هستند، نه شیفته قدرت؛ اما وقتی بازی به انتها نزدیک می‌شود، اوضاع تغییر می‌کند.

صحبت از اصولگرایان است. اصولگرایانی که در انتخابات ریاست‌جمهوری همواره با شعار اتحاد به سود شایسته‌ترین می‌آیند، اما درنهایت خودشان هم به سازوکار خودشان برای اتحاد پشت پا می‌زنند و وارد بازی انتخابات می‌شوند. این بازی اصولگرایان در انتخابات گذشته همواره تکرار شده است. در سال ۸۴ با سازوکار اتحاد وارد رقابت‌های انتخاباتی شدند، اما محمود احمدی‌نژاد که با سازوکار مجمع اصولگرایان برگزیده نشد، خودش وارد عرصه رقابت‌ها شد و اتفاقا رأی گرفت. در سال ۸۸ برخی از اصولگرایان از محسن رضایی حمایت کردند و برخی هم از محمود احمدی‌نژاد؛ اما هدفشان در آن دور شکست‌دادن نامزدهای اصلاح‌طلب بود. در سال ۹۲ باز هم سازوکار اتحاد به سودشان نبود، با چند کاندیدا وارد عرصه شدند چون هر کدامشان خود را برتر می‌دانستند؛ اما درنهایت شکست خوردند. این بار هم از ماه‌ها پیش سازوکاری جدید به نام جمنا را ترتیب دادند و قرار بود کاندیدای نهایی از بین آنها خارج شود، رأی‌گیری هم کردند اما درنهایت یکی از آنها، سعید جلیلی، اعلام کرد که با این سازوکار همراه نیست. هر چند که درنهایت کاندیدای انتخابات ریاست‌جمهوری دوازدهم نشد؛ اما سه نفر از آنها وارد عرصه شدند تا نشان دهند سازوکار اتحاد در اصولگرایان فقط زمانی خوب است که آنها نفر برگزیده باشند.

اما این تمام ماجرا نیست. آنها بدون برنامه وارد انتخابات شده‌اند و شاید تنها نقطه مشترک سخنان‌شان، ضرورت کنار گذاشتن حسن روحانی باشد. از سه کاندیدای اصولگرای حاضر در صحنه یکی از آنها فاقد سابقه مدیریت در حوزه‌های اجرایی است، دیگری دوبار در انتخابات ریاست‌جمهوری شکست خورده و نه با برنامه، بلکه با شعارهای اقتصادی رویاپردازانه‌ای که غیرعملی بودن آن توسط برخی کارشناسان اثبات شده وارد عرصه رقابت‌های تبلیغاتی شده و سومی هم در سخنان خود در نخستین کنفرانس خبری خود هنوز از برنامه‌هایش سخن چندانی نگفته است. در عین حال کاندیدا، همانند کل اصولگرایان، انگشت خود را روی مسائل اقتصادی گذاشته‌اند تا از آن، که اتفاقا نقطه قوت دولت حسن روحانی است، با تبلیغات گسترده، نقطه ضعف بسازند و از این طریق عامه مردم را با خود همراه کنند. درواقع به جز این نقطه مشترک که انتقاد به دستاوردهای اقتصادی دولت است نه‌تنها هیچ نقطه مشترکی بین اصولگرایان نمی‌توان پیدا کرد، بلکه هیچ برنامه روشن و مدونی هم از آنها ارایه نشده است. جالب اینجاست که اصولگرایان و کاندیداهایشان، دولت را متهم به سردادن شعار می‌کنند، اما در عمل خودشان هم برنامه مشخص و مدونی اعلام نکرده‌اند. ایجاد ۴ میلیون شغل در چهار سال مانند شعار ایجاد دو و نیم‌میلیون شغل توسط احمدی‌نژاد در زمانی کمتر از ۴سال است. یا افزایش دو و نیم برابری درآمد وقتی با هیچ برنامه‌ای همراه نباشد، عملا تبدیل به وعده‌ای شیرین و دلفریب می‌شود.

اصولگرایان و کاندیداهای‌شان در شرایطی انگشت روی مسائل اقتصادی گذاشته‌اند که در دوره قبل، وقتی رئیس‌جمهوری مورد حمایتشان که این روزها آن را طرد می‌کنند اما آن زمان حامی او بودند، اوضاع اقتصادی کشور را به سمت پرتگاه برده بود، در مقابل او سکوت می‌کردند. وقتی ارزش پول ملی کشور به یک‌سوم کاهش یافت، تورم ۱۰درصدی از مرز ۴۰درصد گذشت و ارزش یارانه نقدی در مقابل حجم عظیم نقدینگی و رشد نرخ تورم به کمتر از یک‌سوم کاهش یافت، آنها تنها سکوت کردند. اما اکنون برای اوضاع اقتصادی مردم دایه دلسوزتر از مادر شده‌اند.

به نظر می‌رسد بازی اصولگرایان در انتخابات ریاست‌جمهوری را در دو نکته باید خلاصه کرد. نکته نخست، اتخاذ سازوکارهایی برای اتحاد با شعار تشنه خدمت بودن و درنهایت پشت پا زدن به همان سازوکار و نشان‌دادن عملی شیفتگی نسبت به قدرت است. همان رویکردی که نه فقط در این دوره، بلکه در دوره‌های قبلی انتخابات ریاست‌جمهوری نیز شاهد آن بودیم. نکته دوم این است که آنها صرفا قصد دارند بدون ارایه برنامه‌های جامع و مدون برای رفع مشکلات اقتصادی، با طرح شعارهایی کلی، بر طبل افزایش انتظارات عمومی از دولت بکوبند و حتی در صورت شکست در انتخابات، در سال‌های آتی روی این رویکرد در جهت تخریب دولت تأکید کنند. اما وقتی آنها از ارایه سازوکاری که بتواند آنها را به اتحاد برساند، گریزانند، چگونه می‌توانند به برنامه‌ای برای رفع مشکلات مردم —البته اگر چنین برنامه‌ای را داشته باشند که شواهد نشان‌دهنده فقدان این برنامه است- وفادار بمانند؟